

مصادیق حقوق شهروندی در آیین دادرسی اسلام و ایران

دکتر سحر ناصر بخت

چکیده

بررسی تاریخی، جامعه‌شناسی و دینی نشان می‌دهد که اعتقاد به وجود پاره‌ای حقوق طبیعی و فطری برای بشر وجود داشته و قدمتی به درازای عمر انسان دارد. این موضوع در دین مبین اسلام و فقه اسلامی نیز به صورت مبسوط اشاره شده و با توجه به اینکه حقوق موضوعه ایران نیز متأثر از اسلام و فقه اسلامی است، این مسئله در قوانین ایران نیز انعکاس یافته است. از این رو پژوهش حاضر درصدد بررسی مصادیق حقوق شهروندی در آیین دادرسی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران است. از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع، به بررسی حقوق شهروندی و مصادیق آن خاصه از منظر دادرسی پرداخته می‌شود. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد. آنچه ضرورت و اهمیت این مقاله را نشان می‌دهد این است که بررسی حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران و فقه اسلامی می‌تواند جنبه‌های دادرسی حقوق شهروندی را برجسته ساخته و متناسب با این مصادیق و جنبه‌ها در جهت برطرف نمودن ضعف‌های آیین دادرسی در حقوق ایران تلاش نماید. نتیجه حاصل شده این است که در مقایسه مصادیق حقوق شهروندی از منظر دادرسی تفاوت چندانی میان فقه اسلامی و قانون موضوعه ایران وجود ندارد؛ اما در حوزه تعیین مصادیق حقوق ایران از فقه اسلامی تاثیر پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: آیین دادرسی، حقوق شهروندی، فقه اسلامی، حقوق موضوعه ایران

مقدمه

یکی از مصادیق حقوق شهروندی در اسلام بحث آیین دادرسی

و رعایت عدالت در امر قضاوت است. تحول نظام‌های حقوقی مدرن نشان می‌دهد که بخش اعظم تلاش‌ها در عرصه‌ی دادرسی، آفرینش نظامی عادلانه و حقیقت‌مدار بوده است. رسیدن به این مطلوب، نیازمند طراحی شیوه‌ای دقیق و جامع از فرآیند دادرسی است که در آن هر یک از بازیگران دعوا، یعنی دادرس و اصحاب دعوا از امکاناتی برابر برای رسیدن به رأی برخوردار هستند و این موضوع نیازمند یک سیستم دادرسی مدنی مقتدر و مبتنی بر انصاف می‌باشد. از این رو می‌توان «دادرسی» را مرکب از واژه‌ی «داد» و ظاهراً فعل «رسیدن» دانست (دهخدا ۱۳۸۵: ۱۲۲۰) که واژه‌ی برگزیده‌ی فرهنگستان زبان پارسی برای واژه‌ی «محاکمه» می‌باشد. به داد رسیدن یعنی «رفع ظلم کردن» یا «به داد کسی رسیدن» است (محسنی، ۱۳۸۹: ۳۲). پرونده دادخواست مجازات در شریعت اسلامی عبارت از یک مرحله‌ای بود که قاضی که امور حل و فصل پرونده دادرسی را برعهده داشت، اختیارات تحقیقات مقدماتی و قضایی را در دست داشت (طلال یاسین و حسناوی، ۲۰۰۹: ۱۴۰)، چرا که عدالت، که یکی از حقوق اساسی بشر است، فقط با آزادی دادرسی و در معرض محاکمه عمومی عادلانه محقق می‌شود و این به معنای مجموعه‌ای از شرایط حقوقی است که باید قبل از مجازات متهم به جرم خود، محقق شود و دیگر حقوق اساسی از این حق نشأت می‌گیرند؛ از جمله: حق او برای دانستن اتهامات علیه وی، حق او در اطلاع دادن به نزدیکان خود مبنی بر بازداشت یا محاکمه یا انجام تحقیقات و حق دفاع از خود و غیر آن و این حق با هدف محافظت از مردم در برابر مجازات غیرقانونی و ناحق است (التمیمی، ۲۰۱۴: ۴-۱). بنابراین آنچه ضرورت و اهمیت این مقاله را نشان می‌دهد این است که بحث حقوق شهروندی در آیین دادرسی در فقه اسلامی و حقوق ایران از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد، چرا که تحقق حقوق شهروندی نیازمند یک حرکت دوسویه است، یکی حرکت از بالا به پایین که همان فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی ساختار کلان جامعه است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان به ویژه در عرصه عمومی است. با توجه به اهمیت حقوق شهروندی و نقش مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در ارتقاء آن از یک سو و

اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده، حکم برائت صادر خواهد شد.»

▶ حقوق شهروندی در فقه اسلامی و قوانین موضوعه ایران از عهد باستان تا اکنون

حقوق شهروندی از جمله موضوعات بسیار مهم و بااهمیت است که

بسیاری آن را جزء حقوق طبیعی و فطری انسان به حساب می‌آورند این مسئله در دین مبین اسلام، فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران تجلی خاصی پیدا کرده است. از این رو می‌توان بیان داشت که «حقوق شهروندی حقوقی است برای شهروندان یک کشور در رابطه با موسسات عمومی مانند حقوق اساسی، حق استخدام عمیق، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق شدن. بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است» (سیف زاده و نوری، ۱۳۷۰: ۴۶). واژه حقوق در این مفهوم به معنی جمع حق نیست، بلکه دارای مفهوم تخصصی بوده و باید آن را حقوق و تکالیف مردم در قبال همدیگر و در برابر دولت حاکم دانست (سیف زاده و نوری، ۱۳۷۰: ۴۶). حقوق شهروندی و حقوق بشر از دیدگاه اسلام قانونی صحیح و معتبر است که از سوی خدا و از طریق وحی به دست ما رسیده است و مطابق با مصالح واقعی انسان‌ها است. از این رو، ارزش قانون به مطابقت با مصالح مادی و معنوی انسان‌ها ارزیابی می‌شود. طبق این دیدگاه، بشر تکویناً و تشریحاً بنده خداوند متعال می‌باشد و بر خلاف متفکران غربی که انسان را در برابر خدا هم آزاد می‌پندارند، بر تسلیم و فرمانبرداری انسان‌ها در برابر خدا تأکید می‌ورزد. لذا تعریف حقوق شهروندی و بشری از دیدگاه اسلام به گونه زیر است: «حقوق (شهروندی) و بشر آن امور ثابت و پایدار و مشترک در همه انسان‌ها است که هر انسانی به جهت انسان بودن باید آن را دارا باشد و آن را دارا است و این حق را خالق انسان در آغاز تولد برای او قرار داده است» (داوری، ۱۳۸۹: ۶-۹). در ایران نیز می‌توان بیان داشت که ایران باستان را پایه‌گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته‌اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، پادشاه هخامنشی، بسیاری مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. منع برده‌داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی «در حمله به بابل ست»، تساوی افراد در برابر قانون و مانند آن در اسناد به دست آمده قابل مشاهده است و حتی برخی برآنند که این منشور همان نوشته‌ای است که امروز «اعلامیه حقوق بشر» می‌خوانند (جنیدی، ۱۳۸۷: ۳۵). ایران در رویکرد ملی و فراملی بر مبنای همین اسناد و با اتکا بر خرد جمعی توانسته است

تبیین مستمر نگرش اسلامی در زمینه حقوق انسان‌ها، توجه به شرایط زمانی حاضر، بحث منشور حقوق شهروندی از سوی دولت و محافل مختلف در خصوص پیش‌نویس منشور مربوطه یا کلیت حقوق شهروندی دیدگاه‌های موافق و مخالفی را در جامعه امروزی ایران مطرح کرده است. لذا در این راستا این سوال مطرح است که: مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی در حوزه آیین دادرسی در فقه اسلامی و حقوق ایران کدامند؟

▶ تعریف دادرسی در فقه اسلامی و حقوق ایران

دادرسی به معنی اعم آن عبارت است از: رشته‌ای از علم حقوق که هدف آن تعیین قواعد درباره تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجراء تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد که در فقه به آن علم القضاء گویند. دادرسی به معنی اخص آن مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی بکار می‌رود، مانند مجموعه مقرراتی که برای اخذ یک تصمیم در یک دعوی معین بکار برده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۷۸). قوانین شرع اسلام به کرامت و حقوق بشر اهمیت فراوانی داده است و از جمله این حقوق، حق انسان برای یک محاکمه عادلانه است. پرونده دادخواست مجازات در شریعت اسلامی عبارت از یک مرحله‌ای بود که قاضی عهده‌دار امور حل و فصل پرونده دادرسی، اختیارات تحقیقات مقدماتی و قضایی را در دست داشت (طلال یاسین، ۲۰۰۹: ۱۴۰)، چرا که عدالت که یکی از حقوق اساسی بشر است، فقط با آزادی دادرسی و در معرض محاکمه عمومی عادلانه محقق می‌شود. این به معنای مجموعه‌ای از شرایط حقوقی است که باید قبل از مجازات متهم به جرم خود، محقق شود و دیگر حقوق اساسی از این حق نشأت می‌گیرند؛ از جمله: حق او برای دانستن اتهامات علیه وی، حق او در اطلاع دادن به نزدیکان خود مبنی بر بازداشت یا محاکمه یا انجام تحقیقات و حق دفاع از خود و غیر آن و این حق با هدف محافظت از مردم در برابر مجازات غیرقانونی و ناقص است (التمیمی، ۲۰۱۴: ۱-۴).

در حقوق ایران نیز مقررات مختلفی در مورد اصل برائت و دادرسی عادلانه که بر مبنای این اصل بنا شده است وجود دارد. از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت اصل برائت را بیان نکرده است، اما آثار این اصل در موارد مختلفی بیان گردیده است. ماده ۱۹۷ آیین دادرسی مدنی این اصل را مورد تصریح قرار داده است. در این ماده آمده است: «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را

در راه پیشبرد اهداف عالی انسانی گام‌های بلندی بردارد. به دلالت اسناد تاریخی، ایران تنها کشوری است که با وجود اقتدار کافی در طول ادوار مختلف تاریخی هیچگاه در نقش یک مهاجم به ملت و یا دولتی دیگر حمله نظامی نکرده است. حقوق دولت‌ها و ملت‌های دیگر را همواره محترم شمرده است. قانون عصر داریوش معروف به "دادنامه داریوش هخامنشی" سند افتخار دیگری است که بر تارک قانون مدار این مرز و بوم می‌درخشد. اسناد و مدارک باقی‌مانده از دوران مذکور بیانگر آن است که تقریباً بسیاری از مصادیق حقوق شهروندی که امروزه در قوانین بین‌المللی و قوانین اساسی و داخلی کشورها برای شهروندان به رسمیت شناخته شده است، در دوران هخامنشیان پذیرفته شده بود.

نلسون درباره قوانین و حقوق این دوران می‌نویسد: تصور قانون شاهی جهانی بر فراز قانون‌های مردم محلی میراثی بود که رومیان هم بدان گرویدند و تا آنجا که بر ما روشن است جنبه ابتکاری در حکومت‌های هخامنشی داشت. در زمینه حقوق بندگان و یا به تعبیر دیگر خانه‌شاگردها آنها از دید قضایی می‌توانستند اموال داشته باشند و به پایگاه‌های بلند برسند (ریچارد، ۱۳۸۸). نظام حقوقی در دوران اشکانیان برخلاف نظام متمرکز و یگانه‌سالار دوره هخامنشی، ساختاری فدرالی داشت. یک نوع قانون عرفی قدرت مطلقه شاه را محدود می‌کرد و مخصوصاً در تصمیمات مهم شاه را ناگزیر می‌کرد که با مجلس شورای خانواده سلطنتی و مجلس شیوخ به رایزنی بپردازد. کلیه شاهزادگان همین که به سن بلوغ می‌رسیدند، به عضویت مجلس سلطنتی در می‌آوردند. از ترکیب این دو مجلس مهستان تشکیل شد در زمینه حقوق خصوصی قراردادهایی از دوران اشکانی در زمینه رهن و امثال آن بجا ماند، افزون بر اینکه حقوق قراردادهای به واسطه قراردادهای بازرگانی امضاء شده، میان ایران و چین از اهمیت فراوانی در این دوره برخوردار است. شهروندان از حقوق کامل شهروندی چون مالکیت اموال غیرمنقول برخوردار بودند. زیربنای عمده قوانین مذکور اندیشه‌های زرتشت پیامبر در کتاب اوستا بود، مهم‌ترین بخش کتاب اوستا داتیک یا مقررات قانونی است (ذاکریان، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۲۵). رعایت حقوق شهروندی در دوره‌های بعد و در دوران ساسانیان نیز ادامه داشته است. یکی از جنبه‌های رعایت حقوق انسان (حقوق شهروندی) در دوره ساسانی آزادی ادیان و اصل رعایت حقوق اقلیت‌های قومی بوده است. به گونه‌ای که ماریا بروسیوس در این زمینه اعتقاد دارد که: «دین زردشت، دین پادشاهان ساسانی و خاندان سلطنتی بود، اما پادشاهان ساسانی معتقدات دینی خود را به مردمی که در پهنه امپراتوری ساسانی می‌زیستند، تحمیل نمی‌کردند و هر قومی

در پیروی از اعتقادات مذهبی خود آزاد بود.» (بروسیوس، ۱۳۸۹: ۲۴۶). دیمیتری شلاپنتوف محقق روس تبار معتقد است که ایرانیان با مدارای گسترده‌ای که نسبت به سنت‌های دینی و فرهنگی متفاوت داشتند، در هنر برپائی امپراتوری انقلابی به پا کردند. وی همچنین در مورد حقوق شهروندی در دوره باستان می‌نویسد: «امپراطوری ایرانی بر مبنای اتحاد سنت‌های اقوام گوناگون و بر پایه ایده‌مدارا با فرهنگ‌های گوناگون شکل گرفته بود. ایرانیان در مدارا با سنت‌های قومی - فرهنگی درون امپراتوری، نوع خاصی از چند فرهنگی‌گرایی کاملاً متفاوت با سنت یونانی را حفظ کرده بودند. این مدارا و احترام را می‌توان در رفتار همه شاهان ایرانی مشاهده نمود.»^۱ (شلاپنتوف، ۱۳۹۱: ۱۰). بروسیوس علت تساهل سیاسی در ایران باستان را ناشی از مصلحت‌اندیشی سیاسی می‌داند و می‌نویسد: «پارسیان هیچ علاقه‌ای نداشتند زبان، فرهنگ و دین خود را بر اتباعشان تحمیل کنند، بلکه به هر قوم و تبار اجازه می‌دادند بر هویت و میراث فرهنگی خویش بمانند.»^۲ (بروسیوس، ۱۳۸۹: ۷۸). بنابراین توجه به حقوق شهروندی در سیر تاریخی ایران همواره مورد توجه بوده است. در تاریخ معاصر می‌توان به یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی که فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیر کبیر در ۲۵ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۶ اعلام شده است اشاره کرد که در آن به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است. در این فرمان، شکنجه و هرگونه اقدام علیه متهمین ممنوع دانسته و حکام را از تعدی به حقوق رعایا بر حذر داشته است. یکصد سال پیش، پس از وقوع انقلاب مشروطه اولین قانون اساسی مدون تنظیم و سپس در متمم آن حقوق و امتیازات شهروندی پیش‌بینی و تصویب شد. این قانون قدرت مطلق پادشاه را محدود و تا حدودی از خودکامگی حکام می‌کاست. در یک فصل از آن تحت عنوان "حقوق ملت" مهم‌ترین حقوق فردی و شهروندی در ۱۸ اصل را مورد تأکید قرار داد. اصول این قانون اصولی مترقی و در دفاع از حقوق شهروندی در یک قرن پیش در ایران محسوب می‌شد. رعایت اصل تساوی و برخورداری تمامی شهروندان از حقوق برابر و وجود برخی حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی از نکات حائز اهمیت آن بود. در نیمه دوم قرن بیستم میلادی در این کشور کهن و باستانی که دولایه‌ی تمدن ایرانی-اسلامی را در خود مستتر داشت، انقلابی بر اساس تحول و تغییر در حوزه قدرت سیاسی بر پایه‌ی آموزه‌های دینی و اسلامی شکل گرفته و در سال ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان میثاقی عمومی تهیه و با رای اکثریت قاطع ۹۸/۲ درصدی مردم تصویب گردید. در این قانون مهم‌ترین حقوق

۱. دیمیتری شلاپنتوف. شرق در برابر غرب. ترجمه ارسطو میرانی. تهران: انتشارات مروارید چاپ اول ۱۳۹۱، ص ۱۰

۲. ماریا بروسیوس. ایران باستان. ترجمه عیسی عبدی. تهران: انتشارات ماهی، چاپ اول ۱۳۸۸ ص ۷۸

است: "چرا منافقان بر دعوی خود چهار شاهد عادل اقامه نکردند؟ پس چنانکه شاهد نیاوردند البته نزد خدا مردمی دروغگویند." (نور: ۱۳) و اما فرموده رسول خدا (ص): "همه امت من میرا هستند جز بهتان‌زندگان." روایتی از بخاری است. پس این نوعی شناخت عملی از صاحبان شهادت است (التیمی، ۲۰۱۴: ۱-۴).

ب. تایید و ایجاد منشاء اصل بیگناهی متهم به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی

اصول اساسی اسلام تاکید می‌کند که اصل در شخصی که اتهامی بر علیه وی مطرح شده است بی‌گناهی اوست، مگر اینکه برعکس آن ثابت شود که این امر صحیح است، در این صورت شخص به جرم دیگران مجازات نمی‌شود، خداوند متعال فرمود: "و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد" (انعام: ۱۶۴) و فقط به گناهی که مرتکب شده محاسبه می‌شود. خداوند فرمود: "خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند، آنچه از خوبی بدست آورده به سود او و آنچه از بدی بدست آورده به زیان اوست" (بقره: ۲۸۶). یا اینکه در برابر قضاوت عادلانه مقصر شناخته شود، خداوند متعال در داستان حضرت یوسف (ع) با برادرانش می‌فرماید: "یوسف گفت: پناه بر خدا که ما جز آن که متاع خود را نزد او یافته‌ایم، دیگری را بگیریم، که اگر چنین کنیم بسیار مردم ستمکاری هستیم." (یوسف: ۷۹). رسول خدا (ص) فرمودند: (اگر به مردم حق گرفتن دادخواهی خویش داده می‌شد، گروهی از آنها در گرفتن حق مردان و اموال خودشان ادعا می‌کردند، اما عهد و سوگند با متهم است" (التیمی، ۲۰۱۴: ۱-۴). قانون شرع اسلام این اصل را از زمان‌های قدیم تایید کرده است و تاکنون نیز در هر قاعده و قانونی از قوانین فقه جنایی اسلامی اعمال شده است.

ج. ضمانت‌های متهم در مورد حبس احتیاطی (بازداشت) به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی

قانون شرع اسلام در هنگام دستگیری و بازداشت متهم، به وی ضمانت‌های زیادی داده است و مهمترین این تضمین‌ها این است که آنها شرایط بازداشت احتیاطی و پیشگیرانه را تعیین کرده‌اند. از جمله این شرایط، صدور بازداشت توسط یک مقام ذیصلاح است و جرم منتسب به متهم خطرناک و بزرگ باشد، بعلاوه، شواهد کافی مبنی بر اینکه وی مرتکب عمل مجرمانه شده وجود داشته باشد (غازی، ۱۹۹۷: ۱۲۷).

د. آگاهی دادن به متهم درباره موضوع اتهام علیه وی و حضور او در مراحل اجرائی و حق دفاع از خود به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی

قوانین شرع اسلام، هنگامی که فرد در موضع اتهام قرار گیرد، به وی اهمیت زیادی داده است و مجموعه‌ای از حقوق را برای او وضع

شهروندی از جمله: اصول برخورداری از حق تساوی، امنیت فردی، مصونیت مسکن و آزادی در انتخاب محل سکونت، آزادی رفت و آمد، آزادی انتخاب شغل، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اخبار و اطلاعات، آزادی‌های سیاسی و مدنی، عدم تعرض به مکاتبات، ممنوعیت تفتیش عقاید، احترام به مالکیت اشخاص، حقوق قضایی شهروندی، حق تابعیت و تغییر آن و... به رسمیت شناخته شد. قانون اساسی توجه خاصی به حقوق شهروندی دارد. به طوری که رنگ، نژاد و زبان را موجب تفاوت در برخورداری از این حق نمی‌داند و دولت را موظف به رعایت حقوق شهروندی برای همه انسان‌ها می‌کند؛ ضمن اینکه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه پشتیبان حقوق فردی و جمعی یعنی پناهگاه حقوق آحاد جامعه تلقی شده است.

بررسی مصادیق حقوق شهروندی در حوزه آیین دادرسی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران

در این قسمت مهمترین مصادیق حقوق شهروندی در فقه اسلامی و حقوق ایران بررسی می‌شوند.

الف. تایید و ایجاد اصل مشروعیت به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی

قانون شرع اسلام اصل مشروعیت را بنا نهاد، که بعداً آن را اصل "نه جرم و نه مجازات جز به تاکید در متن" نامگذاری شد و قرآن کریم از این اصل نام برده و از قول خدای متعال می‌فرماید: "و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم" و این اصل بدین معنی است که هیچ اقدامی نمی‌توان علیه شخص صورت داد، مگر آنکه مشکوک به این باشد که متن قانونی قبلاً این عمل وی را نقض کرده است و به همین دلیل قانون شرع اسلام در تصمیم‌گیری و ایجاد این اصل که واقعاً پشتوانه حقوق و آزادی‌های افراد است، مقدم بر قوانین وضعی مقدماتی بوده است (ابوالعینین، ۲۰۰۶: ۵۹). در زمینه حمایت از حقوق شهروندی به‌هنگام محاکمه عادلانه، اسلام برای اثبات اتهام دو شرط قرار داده است: اعتراف متهم بدون اجبار یا شکنجه و در دسترس بودن شواهد و مدارک. مدارک یا کتبی است یا شخصی، مدرک کتبی همان مستندات دارای شرایط مستقل خود است و مدرک شخصی همان شهادت دادن با شرایط مستقل خود است و بدون این دو مورد امکان قضاوت در مورد محکومیت وجود ندارد. در قرآن و احادیث نبوی متن‌هایی آمده که تأیید می‌کنند که هیچ اتهامی جز با آن نیست و در رابطه با داستان افک و بهتان خداوند متعال فرموده



بعظکم به الله کان سمیعا بصیرا^۱ و همچنین آیه ۴۲ سوره مائده و ان حکمت فاحکم بینههم بالقسط ان الله یحب المسقطين^۲ و آیه ۹۰ سوره نحل "ان الله یامر بالعدل و الحسان..."^۳.

امام علی (ع) می‌فرمود: قاضی نباید فقط به یکی از طرفین توجه داشته باشد و به طرف دیگر بی‌توجه باشد؛ قاضی باید نگاهش را عادلانه بین طرفین تقسیم کند و اجازه ندهد یکی از طرفین به دیگری اظهار سلطه و دست‌درازی کند. به گفته‌ی امیرالمؤمنین، باید طرز اشاره، نگاه و نشستن قاضی نسبت به طرفین برابر باشد (الطبری، ۱۹۹۵: ۱۶).

و اصل استقلال قضایی به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی در دادرسی

اصل استقلال قضایی عمدتاً بدین‌گونه تعریف می‌شود که قوه قضاییه و قضات به صورت آزاد و مستقل از اعمال نفوذ و تاثیرپذیری‌های بیرونی اعلام رای کرده و بر اساس قانون و واقعیت به صدور حکم بپردازند. این اصل به عنوان یکی از اساسی‌ترین پایه‌های حقوق عمومی مدرن از حیث مفهومی واجد پیچیدگی‌ها و بدفهمی‌هایی است از عدم تفکیک صحیح آن از مفاهیم مشابه نشات می‌گیرد و از همین حیث هدف از این پژوهش روشن کردن مرزهای متمایز کننده این مفاهیم از یکدیگر و تدقیق مفهومی اصل استقلال قضایی می‌باشد.

باتوجه به این موقعیت، قوانین شرع اسلام سعی کرد که به قاضی ابزار مستقل شدن را به گونه‌ای اعطا کند که وی را قادر به ایفای نقش خود کرده و به تحقق هدف محاکمه عادلانه بیانجامد. رسول خدا(ص)، هنگامی که معاذ را به امر قضاوت یمن منصوب نمود به وی فرمود: معاذ با چه قضاوت می‌کنی؟ فرمود: با کتاب خدا. فرمود: اگر نیافتی؟ گفت: از سنت رسولش (ص). فرمود: اگر نیافتی؟ گفت: اجتهاد و کوشش می‌کنم و از عدل و انصاف عدول نمی‌کنم. رسول خدا (ص) فرمود: شکر خدا که پیامبرش را موفق نمود که شخصی را برای داوری انتخاب کند که عمل وی مورد رضایت خدا و رسول اوست (الشافعی، ۲۰۰).

حضرت علی (ع)، به زمامدار منصوب خود، مالک اشتر نخعی نامه‌ای فرستاد و به او فرمان داد که به امر قضاوت و ادای این وظیفه مهم و برطرف کردن مشکلات مردم توجه کند و فرمود: "...و در بذل حقوق به او سفره سخاوتت را بگستران، آنچنان که نیازش را از بین ببرد و حاجتی به مردم پیدا نکند و از نظر منزلت آنقدر مقامش را نزد خود بالا ببر که احدی از یاران نزدیک تو نسبت به نفوذ در او طمع نکند" (الفضیلات، ۱۹۸۷: ۲۵۶). ابن فرحون گوید: "امام و پیشوا،

نموده که به جرم متناسب به وی آگاهی پیدا کند و در روند مراحل تحقیق و محاکمه حضور یابد و اینکه حق دفاع از خود را داشته باشد، یا اینکه شخص دیگری را بعنوان وکیل جهت دفاع از خود اختیار کرده و اظهارات خود را آزادانه بیان کند (ابوالعینین، ۶۱). امام علی (ع) در همه‌ی قضاوت‌های خود دفاع متهمان را می‌شنیدند و به آنان حق دفاع می‌دادند، حتی به شریح قاضی فرمان می‌دادند که برای حفظ حق مدعی علیه حتی با وجود بینه با برگرداندن قسم به مدعی قضاوت را مؤکد کند. همچنین به شریح فرمان می‌دادند که کسی که مدعی است، شهودی دارد که غایباند یا دلیلی دارد که در آینده می‌تواند ارائه کند مهلت دهد و سپس حکم را صادر کند.

چ. علنی و عمومی بودن جلسات دادرسی به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی

هیچ کس شک ندارد که سیستم قضایی اسلام در تاکید اهمیت علنی بودن جلسات دادگاه به عنوان ستون پشتیبان حق متهم در عدالت خود پیشگام است. بنابراین علنی بودن جلسات تضمین می‌کند که عموم مردم بر اتهام، استدلال‌ها و حکم نظارت کنند، امری که قاضی را موظف می‌کند تا به هر آنچه مربوط به برابری میان منازعان در جلسه دادرسی است، هشیار باشد و موجب شود که وی در تمام مراحل دعوی از همان آغاز در انجام وظیفه خود تلاش کرده و همه راه‌های تضمینی که به کشف حکم عادلانه برسد را جستجو کند و از هرگونه اقدامی که در عدالت خود و رعایت انصاف بین طرفین درگیر خدشه وارد کند، اجتناب نماید. شکی نیست که همه اینها منجر به جلب اعتماد و اتکا در تحقق عدالت شده و باعث می‌شود که قاضی احکام خود را با دقت بیشتری تدوین کند.

ن. رعایت عدالت در دادرسی اسلامی به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی

بدون شک اجرای عدالت، غایت و هدف نهایی از دادرسی است. جوهر عدالت امری است که جان انسان با آن آشنا است و عقل سلیم خطوط اصلی آن را در می‌یابد. عدالت به یک تعبیر، گاه مربوط به عالم آفرینش می‌شود که حکماء از آن به "عدالت تکوینی" تعبیر می‌کنند و گاه مربوط به نظام تشریح و قانونگذاری می‌ود که از آن به اصطلاح "عدالت تشریحی" یاد می‌شود. در این اصطلاح نیز عدالت یک معنای عام و یک معنای خاص دارد. از میان معانی فوق آنچه به عنوان یک اصل دادرسی اسلامی مورد تاکید فراوان قرار گرفته "عدالت قضایی" است. آیاتی که بر این اصل تاکید می‌کند بسیار زیاد است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود. از جمله آیه ۵۸ سوره نساء "و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل، ان الله نعماً

۱. و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. درحقیقت نیکو چیزی است که خدا شمارا به آن پند می‌دهد خدا شنوای بیناست.

۲. و اگر داوری می‌کنی، پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست دارد.

۳. در حقیقت، خدا به دادگری و نیکو کاری فرمان می‌دهد.

بی‌گناهی متهم و رفتار با وی بر این اساس است. شریعت اسلام با شخص متهم، متناسب با آدمیت و انسانیت وی رفتار می‌کند. خداوند متعال فرمود: "و ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم"^۱. یکی از مقتضیات تکریم و گرامی داشتن انسان این است که به او توهین نشود و یا کرامت و حرمت وی فقط به این دلیل که متهم به ارتکاب جرمی شده که هنوز قطعی نیست، از بین نرود، حتی اگر ثابت شود که وی مرتکب جرمی شده است، مجازات تعیین شده فقط برای این جرم در مورد وی اعمال می‌شود. دلیل این امر آن است که شرع بدنبال اشتباهات مردم نیست تا آنها را مجازات یا توهین کند (عبد العزیز، ۱۹۸۵: ۶۲).

اگر قانون اثبات ادله و شواهد در امور مدنی در سیستم‌های مختلف تاکید کرده که وام‌دار باید تعهد خود را ثابت کند، بنابراین اثبات وقوع جرم و نسبت دادن آن به متهم از اولویت‌های مرجع کیفرخواست است، خصوصاً که جرم حادثه‌ای پیش‌بینی نشده و غیرعادی است. همانطور که حقوقدانان قانون کیفری گفته‌اند، اگر متهم بی‌گناه فرض نشود، کار او دشوارتر خواهد شد، زیرا وی موظف است شواهدی را ارائه کند که طبق قوانین منطقی غیرممکن است. بدین ترتیب، متهم قادر به اثبات بی‌گناهی خود نیست و منجر به پذیرفتن جرم خود می‌شود (سعید محمد، ۱۹۸۰: ۱۵۸).

صاحب کتاب الخراج گفته که هر کس که گمان و توهم دزدی درباره او شده، سزاوار نیست که بخاطر سرقت یا با مجازات یا با قتل، مورد ضرب و شتم و شکنجه و ترس قرار گیرد و اعتراف کند، بنابراین نباید با چیزی این اقدام صورت گیرد و نباید بخاطر آنچه اعتراف کرده مورد شکنجه یا مجازات قرار گیرد (ابراهیم، ۱۹۰).

بررسی مصادیق حقوق شهروندی در قوانین ایران

در این قسمت تلاش می‌شود تا مصادیق حقوق شهروندی از منظر حقوق ایران بررسی گردد. لذا قبل از پرداختن به آن قانون آیین دادرسی و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف. رعایت اصل تساوی به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی در قوانین موضوعه ایران

اصل تساوی سلاح‌ها یکی از مصادیق اصلی کلی تساوی طرفین در فرآیند دادرسی است. این اصل یکی از ارکان مهم و بنیادی دادرسی

باید احوال قضات منصوب خود را جویا شود، زیرا آنها اساس فرمان او و رأس قدرت او هستند" (ابن فرحون، ۶۰) و برای اینکه قضات بتوانند به استقلال خود دست یابند، خصوصاً مقام منصوب و هیئت ذیربط، شافعیان، مالکی‌ها و حنبلی‌ها در روایتی به ناتوانی قاضی و برکناری وی استناد نمودند که اگر در برکناری وی تحقق منفعت و رفع مفسده نبود، حق امت به او بر می‌گشت (الشافعی، ۸). همین منظور، منصب ریاست قضات در دوره اول عباسی ایجاد شد که وظیفه اصلی او تعیین و برکناری قضات و محاکمه وزراء و افرادی بود که حکمی را تهدید می‌کنند (شبارو، ۱۰۷).

ی. رعایت اصل برائت به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی اصل برائت به عنوان یکی از مهمترین ضمانت‌های محاکمه عادلانه، از جایگاه ممتازی برخوردار است، زیرا بدون آن، مرجع کیفرخواست می‌توانست آزادی‌ها و امنیت افراد را از بین ببرد و اقداماتی را که مانع این آزادی است، انجام دهد. بنابراین، این اصل به خودی خود، به لحاظ دینی و اخلاقی و حتی به لحاظ روند صحیح عدالت مورد تایید قرار می‌گیرد. همچنین، این اصل در رفع و جلوگیری از خطاهای قضایی که با محکوم کردن افراد و متعاقباً اثبات بی‌گناهی آنها باعث ضعف اعتماد افراد به مراکز قضایی می‌شود، کمک می‌کند.

به همین دلیل، نظام کیفری اسلام، اصل برائت را تایید نمود. خداوند متعال می‌فرماید: "و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آنگاه که پیامبری بفرستیم"^۱ و نیز فرمود: "تزدیک است که از شدت خشم متلاشی و پاره پاره شود. هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از آنان می‌پرسند: آیا شما را بیم دهنده‌ای نیامد؟"^۲ و در جایی دیگر می‌فرماید: "و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادی‌ها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند"^۳. این آیات و آیات دیگر دلالت دارند که خداوند متعال، گناه یا جرمی را مجازات نمی‌کند مگر اینکه از قبل درباره آن هشدار داده باشد و چگونه مجازات کند در حالیکه فرمود: "این عذاب به خاطر کارهایی است که به دست خود پیش فرستادید و خدا هرگز در حق بندگان ستم نخواهد کرد"^۴. تا وقتی شرع اسلام اصل مشروعیت برائت را تأیید می‌کند، اصل و اساس اعمال، مجاز بودن و عدم گناهکار دانستن است. اثبات جرم و گناهکاری بدون حکم دادگاه ارائه نمی‌شود. نتیجه آن طبیعتاً

۱. سورة الإسراء الآية ۱۵.

۲. سورة الملک الآية ۵.

۳. سورة القصص الآية ۵۹.

۴. سورة الأنفال الآية ۵۱.

۵. سورة الإسراء الآية ۷۰.



کشف حقیقت لازم باشد، انجام دهد.» باید به نحوی تفسیر نمود که استفاده از آن موجب تخطی از اصول بنیادین دادرسی مانند رعایت حقوق دفاعی و اصل تقابل طرفین و اصل تسلط طرفین به جهات و موضوعات دعوا و اصل بی طرفی و... نشود. وانگهی اثر دیگر بی طرفی، ممنوعیت قاضی از تحصیل دلیل به نفع طرفین است و تحصیل دلیل توسط دادرسی که اختیار صدور حکم قاطع دعوا را دارد با هر انگیزه‌ای که باشد مذموم است؛ خواه به قصد یاری رساندن به طرف ضعیف در دعوا انجام شود یا به شوق رسیدن به حقیقت؛ هر دو انحراف از بی طرفی است. بر این پایه است که قانونگذار در ماده‌ی ۲۰۱ ق.آ.د.م. به منظور مراعات اصل احترام به حقوق دفاعی و اصل تقابل، دادرسی را ملزم می‌کند تاریخ و محل رسیدگی و تحقیقات را، جزء در مواردی که قانون ترتیب دیگری مقرر کرده است، به طرفین اطلاع دهد و در نهایت به موجب ماده "۲۰۰ ق.آ.د.م" دلایلی بپذیرد که طرفین متقابلاً علیه یکدیگر ارائه کرده‌اند و موثر در تصمیم دادگاه است.

ج. اصل علنی بودن محاکمه به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی در ایران

اجرای عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی است بدون برقراری محاکمه منصفانه‌ای که در آن حقوق و آزادی‌های متهم، بزه دیده و سایر افراد درگیر در فرآیند کیفری محترم شمرده شود، فرصت ظهور نخواهد داشت. علنی بودن دادرسی و صنعتی است که در آن جلسات رسیدگی به اتهام متهم بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی تشکیل و اداره می‌شود. این وضعیت امروزه یکی از مؤلفه‌های مهم دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بیشتر در دعاوی کیفری محسوب می‌شود (روحانی، ۱۳۹۶: ۹-۲).

مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی کشورمان: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محکمه علنی نباشد» و در ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ آمده: «محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه:

۱. اعمال منافی عفت و جرایمی که بر خلاف اخلاق حسنه است.
 ۲. امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی به درخواست طرفین.
 ۳. علنی بودن محاکمه مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد.
- ج. اصل استقلال و بی طرفی قضایی به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی

عدالانه محسوب می‌شود. اصل تساوی سلاح‌ها در امور کیفری اقتضا می‌نماید طرف‌های دعوا در فرآیند دادرسی در موقعیت و شرایط اساسی نامناسبی قرار نگیرند. قانونگذار ایران در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده که همه امکانات خود را برای «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی برای همه و تساوی همه در برابر قانون بکار برد». همچنین اصل ۱۹ قانون اساسی ضمن اشاره به برخورداری آحاد ملت از حقوق مساوی، برخورداری از حقوق شهروندی را حق تمامی اقوام و نژادها و داری هر نوع زبان و سنی دانسته است^۱ و در اصل ۲۰ قانون اساسی تمامی آحاد ملت را بطور یکسان و مساوی در حمایت قانون قرار داده تا با رعایت موازین اسلام از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار باشند^۲. این اصول که به صراحت اشاره به تساوی افراد در برابر قانون دارند پایه و اساس قوانین مختلف مدنی و جزائی کشورمان را تشکیل می‌دهند و در لایحه آئین دادرسی کیفری نیز در ماده ۱۱۱-۲ مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است: «دادرسی کیفری باید منصفانه و عدالانه باشد، حقوق طرفین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند بصورت یکسان اعمال شود» همچنین در ماده ۱۱۱-۶ لایحه مذکور آمده است: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود»

ب. دادرسی عدالانه به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی در قوانین موضوعه ایران

دادرسی عدالانه، یکی از مسایل بنیادی برای حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به شمار می‌رود؛ زیرا عدالت، حق است و نباید برخلاف آن عمل کرد. هرگاه چنین شود، بی‌عدالتی، بیدادگری و نادیده گرفتن حقوق شهروندی است. عدالت، با مفهوم احترام به حقوق، رابطه تنگاتنگی دارد. در حقیقت، عدالت، رفتار مطابق قانون است؛ پس بی‌عدالتی، رفتار مخالف قانون و نقض حقوق بشر است. در واقع، دادرسی عدالانه، محاکمه شخص در پرتو قانون و با در نظر داشت احترام به حقوق شهروندی و زمینه‌ای برای ترویج حاکمیت قانون است. این حقوق، توسط هنجارهای ملی و بین‌المللی، در قالب بعضی از اصول، نظام‌مند شده‌اند (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۶-۱). در حقوق ایران ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی که می‌گوید «در کلیه امور حقوقی، دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای

۱. اصل ۱۹ قانون اساسی: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود»

۲. اصل ۲۰ قانون اساسی: «همه افراد ملت اعم از مرد و زن یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت

مسئله دادرسی کیفری بدانیم دلیل فی نفسه هدف دادرسی نیست، اما مهمترین ابزاری است که به کمک آن کشف حقیقت صورت می‌گیرد و از این طریق عدالت جاری می‌گردد. اهمیت بنیادین دلیل در دادرسی کیفری به لحاظ ارتباط تنگاتنگ که با هدف و آماج نهایی دادرسی کیفری دارد، ضرورت مطالعه عمیق دلیل و نیز قواعد حاکم بر تحصیل و ارزیابی آن را نمایان می‌سازد یکی از مهمترین اصول حاکم بر دلیل در دادرسی کیفری اصل آزادی دلیل است که خود متضمن دو جنبه است. الف- آزادی تحصیل دلیل و ب- آزادی ارزیابی دلیل (حمیدی و فتحي، ۱۳۹۲: ۲۱۶).

در حقوق، دلیل در دو مفهوم به کار گرفته می‌شود: نخست در مفهومی اخص، "دلیل" به هر وسیله‌ای گفته می‌شود که در قانون پیش‌بینی شده و در مرجع قضاوتی، با نمایاندن امری، سبب اقناع وجدان (ایجاد باور درونی) دادرس به واقعیت ادعا شود. به موجب ماده ۱۹۴ ق.ج.ا.د.م "دلیل عبارت از امری است که دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند. دوم در مفهومی اعم، "دلیل" ، فراهم آوردن وسایلی است که وجدان دادرس را اقناع می‌نماید، پس اینکه گفته می‌شود.

ماده ۹۶ - خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست کرده است، در جلسه دادرسی حاضر نماید. خواننده نیز باید اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آنها استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر نماید. رونوشت اسناد خواننده باید به تعداد خواهان‌ها به علاوه یک نسخه باشد. یک نسخه از رونوشت‌های یاد شده در پرونده بایگانی و نسخه دیگر به طرف تسلیم می‌شود. در مورد این ماده هرگاه یکی از اصحاب دعوا نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود، چنانچه خواهان است باید اصل اسناد خود را، اگر خواننده است اصل و رونوشت اسناد را به وکیل یا نماینده خود برای ارایه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد و الا در صورتی که آن سند عادی باشد و مورد تردید وانکار واقع شود، اگر خواننده باشد از عداد دلایل او خارج می‌شود و اگر خواهان باشد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد در آن خصوص ابطال می‌گردد. در صورتی که خواننده به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد خود را حاضر کند حق دارد تأخیر جلسه را درخواست نماید، چنانچه دادگاه

اجرای عدالت، حفظ استقلال قضایی وقتی ممکن و میسر است که یک قاضی خوب بر مسند قضا بنشیند. یک قاضی عادل، آگاه به امور قضایی، مدیر و معروف به امانت و تقوی باشد. عادل یعنی آن کسی که در اعمال و رفتار خود از لحاظ شرعی کژی و انحراف نداشته باشد، یعنی آن صفت که در انسان منشاء اتیان و واحبات و محرمات است. استقلال دستگاه قضایی وقتی محفوظ می‌ماند که قضات و عملکرد آنها عاری از هرگونه ضعف باشد که این هم به خود استقلال قاضی و هم استقلال قوه قضاییه باز می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). دادرسی کیفری در صورتی عادلانه است که توسط دادگاهی منصف و بی‌طرف براساس تشریفات قانونی انجام گرفته و در جریان آن حقوق اساسی و قانون متهم و بزه دیده محترم شمرده شود. در اصل ۱۵۶ قانون اساسی کشورمان مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته: قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و...

وجه دوم در ماده ۴۶ آیین دادرسی کیفری به‌طور کامل ذکر گردیده است^۱ که البته در ماده ۱-۱۳۶ لایحه آیین دادرسی کیفری تکرار گردیده و در تبصره آن آمده:

«طرح دعوای حقوقی و شکایت انتظامی پس از ارجاع امر کیفری به دادرس از جهات رد محسوب نمی‌شود». همچنین ماده ۳-۱۱۱ لایحه آیین دادرسی کیفری به صراحت متضمن مضمون فوق می‌باشد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل در مورد اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن رسیدگی کرده و تصمیم مقتضی اتخاذ و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری شود، جلوگیری کنند.

چ. آزادی ابراز ادله به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی در قوانین موضوعه ایران

هدف در دادرسی کیفری، کشف حقیقت و شناسایی متهم واقعی است و دلیل ابزاری برای دستیابی به این حقیقت و اثبات آن می‌باشد. از این‌رو دور از واقع نیست اگر دلیل را محوری‌ترین

۱. ماده ۴۶ آیین دادرسی کیفری: «دادرسان و قضات تحقیق در موارد ذیل باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوا نیز می‌توانند آنها را رد کنند:

الف. وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از اصحاب دعوا یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند.

ب. دادرس یا قاضی تحقیق قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور قاضی یا همسر او باشد.

ج. دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان وارث یکی از اشخاصی باشد که در امر جزایی دخالت دارند.

د. دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی قبلاً اظهارنظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد.

ه. بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر و یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.

و. دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان، نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.



را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد.» این اصل به نفع هر متهمی اعم از اینکه برای اولین بار مرتکب جرم گردیده یا مشمول حکم تکرار جرم باشد جاری است به طوری که در تمامی طول دادرسی تا زمانی که یک تصمیم قانونی و قطعی، مجرمیت بزه کار را به رسمیت نشناخته باشد، اصل برائت حاکمیت دارد. از اصل برائت به نفع متهم می‌توان به این نتیجه رسید که متهم تکلیفی در اثبات بی‌گناهی خود ندارد و این به عهده شاکی و یا مدعی خصوصی و مرجع قضایی بر حسب مورد است که تحقق جرم و مجرمیت مرتکب را ثابت نماید. با توجه به این اصل اساسی یعنی اصل برائت ضرورت تامین آزادی افراد و عدم تعرض به آن جز در موارد استثنایی به خوبی قابل درک است و برای آن تضمینات لازم باید تدارک دیده شود (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۰).

نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله در حوزه مصادیق حقوق شهروندی در آیین دادرسی فقه اسلام و حقوق موضوعه ایران می‌توان نتایج زیر را بر شمرد: اولاً، امروزه حق برخورداری از دادرسی منصفانه در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوای آنان پیش‌بینی گردیده و تضمیناتی که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده مورد اشاره قرار گرفته که محور و مبنای متحدالشکل نمودن آیین دادرسی در حوزه‌های مختلف می‌باشد ثانیاً؛ دادرسی عادلانه، یکی از مسایل بنیادی برای حاکمیت قانون، عدالت و حقوق بشر به شمار می‌رود؛ زیرا عدالت، حق است و نباید برخلاف آن عمل کرد. هرگاه چنین شود، بی‌عدالتی، بی‌دادگری و نادیده گرفتن حقوق شهروندی است و یکی از این اصول دادرسی عادلانه اصل تناظر است که براساس این اصل هر یک از اصحاب دعوا باید، علاوه بر این که فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها، ادله و استدلالات رقیب را داشته باشد، باید فرصت و امکان طرح ادعاها، ادله و استدلالات خود را نیز دارا باشد. چهره دیگر این اصل در اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون حقوق بشر اروپایی تحت عنوان دادرسی منصفانه مورد اشاره واقع شده است. ثالثاً، در مقایسه دو سیستم فقه اسلامی و حقوق ایران در حوزه دادرسی می‌توان بیان داشت که هر دو به اصول و آیین دادرسی عادلانه اعتقاد داشته و بر اهمیت و ضرورت آن تاکید دارند، اما در مقایسه کلی میان این دو به نظر می‌رسد که شرایط و اوصاف دادرسی عادلانه در فقه اسلامی شفاف‌تر و گویاتر از حقوق ایران بیان شده است و این موضوع می‌تواند نشات گرفته از سرچشمه‌ها و منبع‌های رعایت عدالت و

درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت، نسبت به موضوع رسیدگی می‌نماید.

ماده ۹۷- در صورتی که خواننده تا پایان جلسه اول دادرسی دلایلی اقامه کند که دفاع از آن برای خواهان جز با ارایه اسناد جدید مقدور نباشد، در صورت تقاضای خواهان و تشخیص موجه بودن آن از سوی دادگاه، مهلت مناسب داده خواهد شد.

۵. اصل بهره‌مندی از وکیل به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی در قوانین موضوعه ایران

یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی منصفانه، حق دفاع و حق انتخاب وکیل است. شرکت وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی در مقررات اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان پذیرفته شده است که هدف این اصل، تضمین حقوق دفاعی افراد است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲ به ترتیب در مواد ۱۲۸، ۵، ۴۸ و ۱۹۰ بر حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی تاکید شده است. همچنین در اصل ۳۵ قانون اساسی بیان می‌شود که: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» ولی وکیل متهم به موجب ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی در امور کیفری و تبصره آن فقط می‌تواند از جانب متهم اعلام وکالت کند، همراه موکل باشد و بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه تحقیقات مطالب خود را بیان کنند، آن هم در غیر موارد محرمانه.

۱. اصل برائت به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی در ایران یکی از اصول بنیادی و اساسی حقوق اشخاص در جامعه اصل برائت می‌باشد که در مسائل مختلف فقهی، حقوقی (کیفری، مدنی) نقش به‌سزایی را در عدم توجه تکلیف به مکلفین و یا دین و اتهام به شخص ایفا می‌کند. قلمروی اجرایی این اصل با توجه به اهمیت و ارزش بالای آن محدود به حقوق اسلام و قوانین و مقررات داخلی نبوده، بلکه وجود و اثر این اصل را می‌توان در سایر قوانین و مقررات بین‌المللی و حقوق داخلی دیگر کشورها هم جستجو نمود (خیری، ۱۳۹۵: ۵-۹). در ایران به این اصل توجه شده است در قانون ۱۳۵۸ اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قاعده کلی در مورد اصل برائت سخن گفته است. این اصل مقرر می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» بر مبنای همین اصل اصل ۱۶۶ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «دادگاه‌ها موظف به صدور احکام مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی که بر اساس آن حکم صادر شده گردیده‌اند.» ماده ۱۹۷ آیین دادرسی مدنی این اصل را مورد تصریح قرار داده است. در این ماده آمده است: «اصل برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن

در یک کشور، اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت کشور و تحت حاکمیت آن هستند، شهروند خوانده می‌شوند، لذا به تبع این تعریف در فقه اسلامی مصادیق‌های قضایی بیشتری در حوزه حقوق شهروندی تعریف می‌کند.

دادرسی در بین شهروندان در اسلام باشد و در نهایت نیز می‌توان بیان داشت که فقه اسلامی با بهره بردن از آیات قرآن، سنت، اجماع و عقل به مراتب دایره شمول گسترده‌تری برای حقوق شهروندی تعریف نموده، لذا در این راستا بیان می‌دارد که شهروندی یعنی «تعلق داشتن به یک ملت یا یک میهن» این معنی بسیار گسترده‌تر از تعریف حقوق ایران از شهروند مبنی بر «انسان‌های ساکن و مقیم

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بروسیوس. ماریا (۱۳۸۹). تمدن درخشان ایرانیان، مترجم: محمود طلویی، ناشر: انتشارات تهران؛ نوبت چاپ: دوم؛ سال چاپ.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۷). ترمینولوژی حقوق، چاپ سوم.
- جنیدی، فردون (۱۳۷۸). حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، تهران، انتشارات نشر.
- حمیدی، الهام، فتحی، محمد جواد (۱۳۹۲). مفهوم و مبانی اصل آزادی تحصیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری، فصلنامه حقوق، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۱.
- خیری جیرانسفلی، صابر (۱۳۹۵). بررسی اصل برائت در علم اصول و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران جنوب.
- داوری، محسن (۱۳۸۹). مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، مقاله ۳، دوره ۱۱، شماره ۳۱.
- دیمیتری شلاپنتوف (۱۳۹۱). شرق در برابر غرب. ترجمه ارسطو میرانی. تهران: انتشارات مروارید چاپ اول.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۹). پژوهشنامه علوم سیاسی - سال پنجم - شماره سوم.
- روحانی، جنبه سرائی (۱۳۹۶). اصول حاکم بر روند دادرسی منصفانه در حقوق ایران و مصر، چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی.
- سلیمانی، بابک (۱۳۹۴). دادرسی عادلانه، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق.
- سیف‌زاده، سید حسین؛ نوری اصل، احد (۱۳۷۰). «هویت ملی و حقوق شهروندی در ایران: گفتمان دو سویه و چند سویه ملت - دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱.
- طباطبایی مومتمنی، منوچهر (۱۳۸۸). حقوق اساسی، نشر میزان، چاپ دوازدهم.
- علی‌اکبر دهخدا (۱۳۸۵). لغت‌نامه؛ فرهنگ متوسط دهخدا، به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج ملکی و اکرم سلطانی. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علی فضل ابوالعینین (۲۰۰۶). تضمین‌های متهم در مرحله دادگاه، مرکز بیداری عرب، قاهره.
- غازی حسن صبارینی (۱۹۹۷). چکیده‌ای در حقوق انسان و آزادی‌های اساسی او، مرکز انتشارات و پخش فرهنگی، عمان، چاپ ۲.
- محسنی، حسن (۱۳۸۹). اداره‌ی جریان دادرسی مدنی بر پایه‌ی همکاری در چارچوب اصول دادرسی. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نلسون، ریچارد (۱۳۸۸). تاریخ باستانی ایران - برگردان مسعود رجب نیا- تهران: انتشارات علمی و فرهنگی چاپ چهارم.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»، نشر میزان، چاپ اول.

منابع عربی

- عیسی، طلال یاسین و علی جبار حسناوی (۲۰۰۹). دادگاه بین‌المللی جنایی (مطالعه حقوقی)، پخش و انتشارات علمی دارالبازوری، عمان، سال چاپ.
- رجب التمیمی، (۲۰۱۴). محاکمه عادلانه در اسلام، *ریاست سابق شورای قضاوت فلسطین.

- الطبری، ابن جریر، (۱۹۹۵). جامع‌البيان عن تأویل آی القرآن، الجزء الأول، دار الفكر للطباعة والنشر، بیروت.
- جبر محمود الفضیلات، (۱۹۸۷). القضاء فی صدر الإسلام، شركة الشهاب، الجزائر.
- ابن فرحون، تبصرة الحکام فی أصول الأفضیة ومناهج الأحکام، الجزء الأول، دون إشارة لدار النشر وبلده
- ابن أبی الدم الحموی الشافعی، أدب القاضی وهو الدرر المنظومات فی الأفضیة والحکومات، تحقیق الدكتور مصطفى الزحیلی، دار الفكر، القاهرة، دون سنة.
- عصام محمد شبارو (۱۹۹۲). قاضی القضاء فی الإسلام، دار النهضة العربیة، القاهرة.
- أبو السعود عبد العزیز (۱۹۸۵). ضمانات المتهم المدعی علیه فی الشریعة الإسلامیة والقانون، رسالة دكتوراه، جامعة الأزهر.
- أحمد سعید محمد (۱۹۸۰). قرینة البراءة وأهم نتائجها فی المجال الجنائی دراسة مقارنة، رسالة دكتوراه، جامعة الأزهر کلیة الشریعة والقانون.
- أبو یوسف یعقوب بن إبراهیم، الخراج، المطبعة السلفیة، القاهرة، دون سنة.